

تجلی شخصیت حضرت خدیجه (س) در شعر فارسی

(مطالعه موردی: خاقانی، محتشم کاشانی و شیخ بهایی)

فاطمه منصوری^۱

چکیده

شعر از نظر قالب و محتوا انواع و اقسام مختلفی دارد، از جمله اقسام شعر به لحاظ محتوا، شعر مدحی است. مدح در لغت به معنای ستایش است و شعر مدحی یا همان مدیحه، شعر ستایش آمیزی است که موضوع آن می تواند شخص، گروه، بانیان حکومت یا حتی یکی از حالات و خلقیات نفسانی انسان باشد. مدح و ستایش از اغراض اصلی شعر فارسی است. این نوع ادبی در مسیر تکامل خود از گذشته های دور تا امروز تأثیری پر رنگ بر صفحه شعر شاعران داشته است و بسیاری از شاعران علاوه بر مدح از امرا و سلاطین به مدح انبیاء و بزرگان دینی نیز پرداخته اند. این مقاله سعی دارد تا با روش توصیفی تحلیلی با آوردن اشعاری از سه شاعر گران قدر از جمله: خاقانی (۵۲۰-۵۹۵ ه.ق) بزرگترین شاعر قرن ششم فارسی، محتشم کاشانی (۹۰۵-۹۹۶ ه.ق) مهم ترین شاعر مرثیه سرای شیعه و شیخ بهایی، حکیم، علامه فقیه، عارف، شاعر و ادیب قرون دهم و یازدهم هجری، عظمت و جایگاه ویژه حضرت خدیجه (س) را در شعر فارسی تبیین سازد.

واژگان کلیدی: شعر مدحی، حضرت خدیجه (س)، خاقانی، شیخ بهایی، محتشم کاشانی.

^۱. کارمند دانشگاه پیام نور استان یزد، ایمیل نویسنده: *f.mansori۶۲@gmail.com

۱- مقدمه

دین و ادبیات بی شک کهن‌ترین انگاره‌های فرهنگی یک ملت به شمار می‌آیند. دین، راه و روش و آیین زندگی کردن در راه حق را نشان می‌دهد، راهی که سعادت را تضمین می‌کند. در این میان هنر و ادبیات، مهم‌ترین ابزارهایی بوده‌اند که دینداران و عرفا با آن به ترویج اندیشه‌های خود پرداخته‌اند. شیوه‌های آفرینش هنری، با استفاده از مضامین و اشارات دینی، درون‌مایه‌های اندیشه‌ی شاعر و نویسنده را بر اساس معیارهای دین به تصویر می‌کشد، حتی اگر قصد گوینده آشکار ساختن یک معضل اجتماعی و سیاسی باشد. ادبیات فارسی دری از همان آغاز پیدایش و توسعه خود بر خلاف ادبیات عربی که یک دوره جاهلی را پشت سر می‌گذارد، صبغه اسلامی داشته است، لذا تأثیر تعالیم اسلام در آن نه بر اثر برخورداری‌های تنش‌آمیز و فیزیکی بلکه برخاسته از تعامل فرهنگی و ادبی بوده است. (ممتحن و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۰۶-۱۰۷) در واقع، «قرآن و حدیث و الفاظ و معانی آن به صورت‌های گوناگون در زندگی مسلمانان و در رفتار و گفتار و کردار آنها عمیقاً تأثیر داشته است» (حلبی، ۱۳۹۰: ۴).

دین در روند فراگیر شدن توانست علاوه بر اثرگذاری در انسان و پدیده‌های پیرامون او، در شکل‌گیری و گسترش مظاهر کمی زندگی فرهنگی او نیز جایگاهی ویژه به خود اختصاص دهد. یکی از این مظاهر، شعر بود. اگر چه شعر فارسی در گذر از قرن‌های طولانی توانسته بود، هویت بومی و سرزمینی خویش را حفظ نماید و کمتر دستخوش تغییر و دگرگونی گردد، اما نتوانست از تأثیر مستقیم و غیرمستقیم باورهای دین اسلام و نمادهای گوناگون آن برکنار بماند. حضور روزافزون تفکر دینی در آثار ادبی باعث شد که مسائل دینی آرام آرام و به تدریج نضج گیرد و در طی قرون متوالی با ادبیات ایران زمین عجین و از آن تفکیک‌ناپذیر شود. از جمله در اشعار فارسی در که بسیاری از ابیات آن با تفکرات دینی همراه شده است. «منظور از شعر دینی آن دسته از سروده‌هایی است که مستقیماً به یکی از موضوعها، پدیده‌ها یا شخصیت‌های دینی مربوط می‌شود.» (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۸۲).

۱-۲- هدف و سؤالات پژوهش

هدف اصلی پژوهش این است که تجلی شخصیت حضرت خدیجه (س) در شعر فارسی بررسی شود.

سؤالات پژوهشی به این صورت مطرح می‌شود:

- شعر مدحی چیست و در چه مواردی سروده می‌شود؟

- نمود فضائل حضرت خدیجه (س) در شعر فارسی تا چه میزان است؟

۲- بحث و بررسی

یکی از شیوه‌های سرودن شعر، شعر مدحی می‌باشد. مدح در لغت به معنی ستایش کردن و ستودن خصلت‌ها و صفات نیک کسی است. (دهخدا، ۱۳۷۷: مدخل کلمه). و در اصطلاح علم بدیع شعر مدحی ستایشی است که شاعر از ممدوح خود می‌کند و ضمن آن سجایای اخلاقی وی را برمی‌شمرد و از رفتار و موفقیت‌های او تمجید می‌کند و زبان به بزرگ‌داشت او می‌گشاید. (رزمجو، ۱۳۷۰: ۳۹)

شاید یکی از قدیمی‌ترین موضوعاتی که در شعر فارسی مورد توجه شاعران واقع شده موضوع مدح و مدیحه‌سرایی باشد و این بدان علت است که هنر شاعری ابتدا در دربار امیران و سلاطین ایران مورد توجه قرار گرفته و از شعر به عنوان مهم‌ترین ابزار برای تبلیغ سیاست و قدرت‌نمایی حکومت‌ها بهره‌برداری شده است. وضع محیط سیاسی و علاقه به اشتهار امیران و صاحبان قدرت از عوامل رواج و بالندگی شعر مدحی (درباری) در ادبیات فارسی است. (همان: ۴۰-۴۵)

شعر مدحی تنها به امرا و محتشمان اختصاص ندارد، بلکه در ادب فارسی بسیار است مدیحه‌هایی که در حق پیامبر (ص) یا درباره‌ی ائمه (ع) به صورت نعت و منقبت به سلک نظم درآمده است. این دسته از اشعار در ردیف شعر تعلیمی و دینی مورد بحث قرار می‌گیرد اما آنچه راجع به مدح محتشمان و نام‌آوران است شرط عمده‌ی آن‌ها این است که آنچه شاعر در وصف و ستایش ممدوح می‌گوید مناسب باشد با احوال و آرزوهای او. (موتمن، ۱۳۶۴: ۷۱)

شعر مدحی تنها به امرا و محتشمان اختصاص ندارد، بلکه در ادب فارسی بسیار است مدیحه‌هایی که در حق پیامبر (ص) یا درباره‌ی ائمه (ع) به صورت نعت و منقبت به سلک نظم درآمده است. این دسته از اشعار در ردیف شعر تعلیمی و دینی مورد بحث قرار می‌گیرد اما آنچه راجع به مدح محتشمان و نام‌آوران است شرط عمده‌ی آن‌ها این است که آنچه شاعر در وصف و ستایش ممدوح می‌گوید مناسب باشد با احوال و آرزوهای او.

یکی از شخصیت‌های بزرگ مذهبی که در شعر و ادب فارسی مورد توجه قرار گرفته حضرت خدیجه (س) همسر پیامبر (ص) است. خدیجه دختر خُوَیَلَد (۶۸ قبل از هجرت تا ۳ قبل از هجرت) نخستین همسر محمد، مادر فاطمه و اولین زن ایمان آورنده به اسلام است. خدیجه در سال ۶۸ قبل از هجرت در مکه متولد شد. از

لقاب او در زمان جاهلیت «الطاهره» و «سیده قریش» بود. طبق عقاید شیعه و برخی دیگر از مسلمانان و تاریخ‌نویسان اسلامی، خدیجه عزیزترین زن پیامبر بود. عایشه نیز از محمد نقل کرده که او خدیجه را بهترین زنان خود می‌دانست. برخی مذهب خدیجه را قبل از اسلام، مسیحیت می‌دانند و برخی او را پیرو دین حنیف ابراهیم می‌دانند. اما در هر دو صورت باید گفت خدیجه قبل از بعثت نشانه‌های محمد را در کتب ادیان پیشین دیده بود. بیش از همه پسر عموی او ورقه بن نوفل که کشیشی پیر و نابینا بود، در این آگاهی او نقش داشت.

در این جستار تعدادی از ابیات سه شاعر بلند پایه ادبیات فارسی که در مدح بانوی بزرگ اسلام حضرت خدیجه (س) هنرنمایی کرده اند آورده شده است.

۲-۱- مدح حضرت خدیجه س در شعر خاقانی

حسان العجم افضل الدین بدیل خاقانی یکی از بزرگترین شاعران و از قصیده سرایان نامی ایران است. «لقب حسان العجم را که بحق درخور اوست، عم او کافی الدین عمر بوی داد و خاقانی خود چندبار خویشتن را بدین لقب خوانده» (صفا، ۱۳۷۳: ۷۷۶/۲) «آنکه فصاحت حسان با سماحت سبحان مر ویرا جمع بود و صفوت جنید با حکمت لقمان مر ویرا فراهم، خاقان ولایت بیان بود، از آن سبب خاقانی لقب یافت.» (عوفی، ۱۳۸۹، ۴۰۵) حوادث فراوان زندگی خاقانی که اغلب آنها المی برآلام او افزوده است _ اشعارش، که روح او را جلوه گر می‌شود، پراز درد و اندوه ساخته است. و به سخن کزازی «سروده‌های خاقانی، انگیزه به پهناوری اندیشه است. اوبه هرچیز مهر شعر می‌زند. هراندیشه‌ای، هرچند دور و ناساز، در شعر او بهانه‌ای برای رسیدن به انگیزه می‌شود.» (کزازی، ۱۳۶۸: ۱۳)

از مجموع ۱۳۲ قصیده خاقانی ۷۳ قصیده ستایش‌نامه‌های اوست که اگر از این مجوعه ۱۴ قصیده‌ای که تحمیدیه و ستایش پیامبر اکرم است کم شود ۵۹ قصیده مدح حاکمان و شاهان و امراست. البته مدح بهاء‌الدین بغدادی، سعیدبن‌احمد و محی‌الدین امام شافعیان نیز در آن دیده می‌شود.

خاقانی در قصیده‌ای که در مدح صفوة الدین بانوی شروان شاه سروده است نیم نگاهی به فداکاری و بخشندگی حضرت خدیجه داشته و بانوی شروان را از لحاظ صفات مثبت به ایشان تشبیه کرده است.

تحفه بزم اوست مریم وار هر چه طوبی به نوبر افشانده است

آن خدیجه است کز ارادت حق مال و جان بر پیمبر افشانده است

وان زبیده است کز سعادت بخت بهر کعبه سر و زر افشانه است

(قصیده شماره ۳۲، دیوان اشعار، خاقانی)

همچنین قصیده شماره ۱۳۸ در مدح:

از سر زهد و صفا در شخص او هم خدیجه هم حمیرا دیده ام

آن خدیجه همتی کز نسبتش بانوان را قدر زهرا دیده ام

(قصیده شماره ۱۳۸، دیوان اشعار، خاقانی)

۲-۲-مدح حضرت خدیجه س در شعر شیخ بهایی

بهاءالدین محمد بن حسین عاملی (۸ اسفند ۹۲۵ خورشیدی در بعلبک - ۸ شهریور ۱۰۰۰ خورشیدی در اصفهان) معروف به شیخ بهایی، همه چیزدان، حکیم، علامه فقیه، عارف، منجم، ریاضیدان، شاعر، ادیب، مورخ و دانشمند ایرانی عرب تبار از بعلبک در لبنان کنونی قرون دهم و یازدهم هجری بود که در دانش‌های فلسفه، منطق، هیئت و ریاضیات دانایی داشت، در حدود ۹۵ کتاب و رساله از او در سیاست، حدیث، ریاضی، اخلاق، نجوم، عرفان، فقه، مهندسی، هنر و فیزیک بر جای مانده است. به پاس خدمات او به علم ستاره‌شناسی، یونسکو سال ۲۰۰۹ که مصادف با سال نجوم می‌بوده نام شیخ را در لیست مفاخر ایران ثبت کرد. وی از دوستان نزدیک میرداماد بود.

به پاس خدمات او به علم ستاره‌شناسی، یونسکو سال ۲۰۰۹ که مصادف با سال نجوم می‌بوده نام شیخ بهایی را در لیست مفاخر ایران ثبت کرد. او طومار شیخ بهایی را تدوین کرده است. بهاءالدین عاملی آثار برجسته‌ای به نثر و نظم پدید آورده است که به برخی به فارسی و بیشتر آنها به عربی است. اشعار فارسی او عمدتاً شامل مثنویات، غزلیات و رباعیات است. وی در غزل به شیوه فخرالدین عراقی و حافظ، در رباعی با نظر به ابوسعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری و در مثنوی به شیوه مولوی شعر سروده است. ویژگی مشترک اشعار وی میل شدید به زهد و تصوف و عرفان است. بهترین منبع برای گردآوری اشعار او، کشکول است تا جایی که به عقیده برخی محققان، انتساب اشعاری که در کشکول نیامده است به وی ثابت نیست.

در ابیات زیر شیخ بهایی از غزل مناجاتی استفاده کرده و خدا را به فضائل و خصلت‌های بزرگان درگاهش از جمله حضرت خدیجه (س) قسم داده تا لطف و نظرش را شامل حال شاعر کرده و دست‌گیر او باشد.

الهی الهی، به صدق خدیجه الهی الهی، به زهرای اطهر
 الهی الهی، ه سبطین احمد الهی، به شبیر الهی! به شبر
 شنیدم که می‌گفت زاری، غریبی طواف رضا، چون شد او را میسر
 من اینجا غریب و تو شاه غریبان به حال غریب خود، از لطف بنگر

(غزلیات شماره ۱۴، دیوان اشعار شیخ بهایی)

۲-۳- مدح حضرت خدیجه س در شعر محتشم کاشانی

محتشم کاشانی (۹۰۵ هـ ق در کاشان - ۹۹۶ هـ ق در کاشان) شاعر پارسی‌گوی سده دهم هجری و هم‌دوره با پادشاهی شاه طهماسب یکم صفوی بود. شغل اصلی محتشم بزازی و شعربافی بود.

محتشم از پیروان مکتب وقوع و از مهمترین شاعران مرثیه‌سرای شیعه است. ترکیب‌بند «باز این چه شورش است که در خلق عالم است» معروف‌ترین مرثیه برای شهدای واقعه کربلا در ادبیات فارسی است.

جابر عناصری درباره محتشم کاشانی می‌گوید: محتشم کاشانی پدر مرثیه‌سرایی عاشورایی است. وی می‌افزاید: این شاعر فرهیخته بهترین منظومه نمایشی به یادگار گذاشت و با زبان شعر فرهنگ عاشورا را در بین مردم به ویژه مداحان اهل بیت رواج داد. عناصری می‌افزاید: شهرت و آوازه بی‌نظیر محتشم کاشانی در ادبیات موجب شد تا شاعران نام‌آوری به پیروی از سبک او اهتمام ورزند، اما تاکنون ادبیات ایران در مرثیه‌سرایی، شاعری همچون محتشم به خود ندیده‌است.

عباس مشفق کاشانی نیز بر این عقیده‌است که پاکی، اعتقاد و استواری و محبت محتشم کاشانی به اهل بیت باعث شد که برخی پادشاهان صفوی از جمله شاه طهماسب به اشعار مذهبی روی آورند. وی می‌افزاید: ترکیب‌بند معروف این شاعر پرآوازه مرثیه‌سرای ایران در رثای حسین و کشته‌شدگان کربلا در بین تشیع و به‌ویژه فارسی‌زبانان زبانزد شد و توجه بسیاری از شاعران را به‌خود جلب کرد.

این قصیده در مدح امیر اعظم یوسف بیک بن محمدخان ترکمان سروده شده که در آن جایگاه والای حضرت خدیجه (س) نمایان است.

بلقیس آمد از تتق سلطنت برون از بهر آن ستوده سلیمان نوجوان
 بلقیس نه خدیجه خورشید احتجاب کز حوریان حله نشین می دهد نشان
 معصومه ستیزه که ستار واحدش در هفت پرده کرده ز چشم جهان نهان
 (قصیده شماره ۶۲، دیوان اشعار محتشم کاشانی)

۳- نتیجه گیری

در ژانر غنایی عاطفه و احساس عنصر اصلی شعر است و درون‌مایه آن را تشکیل می‌دهد، و هم‌حسی بین دو سوی گوینده و مخاطب برانگیخته، باعث تهییج عواطف می‌گردد. شاعر بسته به شرایط روحی و تناسب موضوع قالب خود مدح را برمی‌گزیند. قصیده نیز یکی از این قالب‌هاست.

شعر مذهبی شعری است که با رویکردی تجلیلی، توصیفی، اسطوره‌ای و فرقه‌ای به بزرگان دین می‌پردازد و موضوع اصلی آن «مدح و منقبت» و «سوگ و مرثیه» است. شعری سهل‌الوصول و سفارشی که برای جلب رضایت مشتری از بزرگان دین به جای «تندیس عزت»، «تندیس مصیبت» می‌سازد! شعری یک بار مصرف که عمود خیمه آن شورآفرینی با دامن زدن به عصبیت‌های مذهبی - شیعه و سنی - است.

شعر مذهبی نوعی معامله و دادوستد با خدا است. مُحرک شاعر مذهبی برای سرودن در اکثر موارد ثواب و پاداش است. گاه این پاداش دنیوی است (کسب رتبه، صله و...) و گاه اخروی (جنات تجری من تحتها الانهار، درخواست شفاعت و...).

شعر مذهبی محصول نوعی حسابگری دینی است و شاعر آن بر اساس همین حسابگری‌ها برای اهل بیت شعر می‌گوید. یعنی بیتی می‌گوید و بیتی در آخرت را طلب می‌کند.

خاقانی، محتشم کاشانی و شیخ بهایی هم از این قافله جا نمانده و هرکدام برای کسب پاداش معنوی در اثنای مدح ممدوحان خود گوشه چشمی به منقبت‌های حضرت خدیجه (س) این بزرگ بانوی اسلام داشته‌اند و سعی کرده‌اند فضائل ایشان را هرچند مختصر به منصفه دید بگذارند.

منابع

۱. خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل، (۱۳۷۴)، دیوان اشعار، تصحیح: ضیاء الدین سجادی، تهران: زوار.
۲. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۳. رزمجو، حسین، (۱۳۷۰)، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد: قدس رضوی.
۴. زرقانی، سیدمهدی، (۱۳۸۶)، بررسی محتوایی شعر کودک در دهه هفتاد؛ مطالعات ادبیات کودک، شماره ۱۵۹.
۵. شیخ بهایی، محمد بن حسین، (۱۳۸۹)، کلیات دیوان شیخ، به کوشش سیدجواد معصومی، انتشارات: طوبای محبت.
۶. صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۳)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: انتشارات فردوس.
۷. عوفی، محمد، (۱۳۸۹)، لباب الالباب، تهران: نشر پیامبر.
۸. کزازی، میرجلال الدین، (۱۳۶۸)، در دریای دری، تهران: نشر مرکز.
۹. محتشم کاشانی، کمال الدین، (۱۳۴۴)، دیوان، به کوشش مهرعلی گرگانی، تهران: انتشارات کتاب‌فروشی محمودی.
۱۰. موتمن، زین‌العابدین، (۱۳۶۴)، شعر و ادب پارسی، تهران: زرین.